



آدرس وب سایت ما

novinkonkor.com

نوین کنکور

در شبکه های اجتماعی



novinkonkor



@novinkonkor



۰۹۳۸۲۵۱۶۷۴۷

نوین کنکور مرجع کنکور و امتحان نهایی

■ عَيْنِ الْأَصْحَ و الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ (۱ - ۱۲)

۱- عَيْنِ الْخَطَا فِي تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَط:

- (۱) واصلَ ألفرد عمله دَوَّوياً! : با پشتکار
(۲) خُلِقُوا مِنْ نُحَاسٍ! : مس
(۳) ما أَسْرَعَ إثمار هذه الشَّجَرَة! : سریعتر است
(۴) النَّاسُ مِنْ جَهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءُ! : یکسان

۲- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ الْمُفْرَدَات:

- (۱) أَصْبَحَ الْجَوُّ بَارِداً! : (متضاد) كَانَ
(۲) الصيدليَّة مكان لَبَيْعِ الأدوية! : (متضاد) شراء
(۳) رأينا سُهولاً صالحة للزَّراعة! : (مفرد) سهل
(۴) مِقْدَارُهُ بَلَغَ أَرْبَعِينَ طُنّاً! : (جمع) أَطْنَان

۳- «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ»:

- (۱) خدای من، مرا از برپادارندگان نماز قرار بده و دعای فرزندانم را بپذیر!
(۲) پروردگارا، مرا و فرزندانم را برپادارنده نماز قرار بده، پروردگارا دعایم را بپذیر!
(۳) پروردگارا، مرا و فرزندانم را نمازگزار بگردان، پروردگارا دعایم را بشنو!
(۴) خدای من، من را برپادارنده نماز قرار بده، خدایا دعاهاى فرزندانم را بپذیر!

۴- «دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَ مَا تُبْصِرُ وَ دَوَاؤُكَ مِنْكَ وَ لَا تَشْفُرُ!»:

- (۱) در خودت دارویی هست که نمی‌بینی، و درد از توست و احساس نمی‌کنی!
(۲) دردی در تو هست و نگاه نمی‌کنی، و دواىی از توست و احساس نمی‌کنی!
(۳) دارویت در خودت هست و نمی‌بینی، و درد از توست و احساس نمی‌کنی!
(۴) درد در خودت هست و نگاه نمی‌کنی، و دارویت از توست و احساس نمی‌کنی!

۵- «شَاهِدَ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْخَضِرَاوَاتِ تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلَفِ، فَرَأَى الْأَمْرَ مُرَاقِبَةً شَدِيدَةً!»:

- (۱) کشاورز می‌بیند که سبزیجات در معرض خوردن و اتلاف هستند، پس به شدت از موضوع مراقبت می‌کند!
(۲) کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات در معرض استفاده و اتلاف است، پس قطعاً از موضوع مراقبت کرد!
(۳) کشاورز مشاهده کرد سبزیجات خورده یا تلف شده‌اند، پس شدیداً از موضوع مراقبت کرد!
(۴) کشاورز دید که سبزیجات در معرض خوردن و تلف شدن هستند، پس به شدت از موضوع مراقبت کرد!

۶- «شَعَرَ نَوْبِلُ بِالذَّنْبِ وَ بِخِيْبَةِ الْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْغُنْوَانِ وَ بَقِيَ حَزِيناً!»:

- (۱) نوبل از این عنوان خود نا امید شد و احساس گناه کرد و ناراحت باقی ماند!
(۲) نوبل از عنوانش احساس نا امیدی و گناه می‌کرد و ناراحت باقی ماند!
(۳) نوبل از این عنوان دچار حس گناه و نا امیدی شد و ناراحتش کرد!
(۴) نوبل از این عنوان احساس گناه و نا امیدی کرد و ناراحت باقی ماند!

۷- «قَدْ اسْتَفَادَ الْإِنْسَانُ مِنَ الدِّيْنَامِيْتِ وَ سَهَّلَ أَعْمَالَهُ الصَّعْبَةَ فِي حَفْرِ الْأَنْفَاقِ!»:

- (۱) گاهی انسان از دینامیت استفاده می‌کند و کارهای سختش را در حفر تونل‌ها ساده می‌نماید!
(۲) انسان از دینامیت استفاده کرده است و کارهای دشوارش را در حفر تونل‌ها آسان نموده است!
(۳) بشر دینامیت را استفاده کرده است تا کارهای دشوار مثل حفر تونل آسانتر شود!
(۴) انسان دینامیت را به کار بسته است و کارهای سختش در حفر تونل را آسانتر کرده است!

۸- «أَمَرَ أَنْوَشِرَوَانُ أَنْ يُعْطَى الْفَلَّاحُ أَلْفَ دِينَارٍ!»:

- (۱) انوشیروان امر کرد که کشاورز هزار دینار بدهد!
- (۲) انوشیروان دستور داد دو هزار دینار به آن کشاورز بدهند!
- (۳) انوشیروان دستور داد که هزار دینار به کشاورز داده شود!
- (۴) انوشیروان امر کرده است که دو هزار دینار به هر کشاورزی داده شود!

۹- «الْبَوْمَاتُ كَانَتْ تَتَغَذَّى عَلَى فِئْرَانِ الْحَقْلِ إِضَافَةً إِلَى الْأَفْرَاحِ!»:

- (۱) جغدها و موش‌ها از جوجه‌های کشتزار تغذیه می‌کردند!
- (۲) جغدها علاوه بر جوجه‌ها از موش‌های مزرعه تغذیه می‌کنند!
- (۳) جغدها علاوه بر جوجه‌ها از موش‌های کشتزار تغذیه می‌کردند!
- (۴) جغدها علاوه بر موش‌ها از جوجه‌های مزرعه تغذیه می‌کنند!

۱۰- «إِنزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حِينَ رَأَاهُ لَمْ يُقْبَلْ إِلَّا إِبْنَهُ!»:

- (۱) پیامبر خدا (ص) آزرده‌خاطر شد درحالی که پسرش کسی جز او را نبوسیده است!
- (۲) رسول خدا (ص) ناراحت شد وقتی که او را دید که تنها پسر خود را می‌بوسد!
- (۳) پیامبر خدا (ص) آزرده شد هنگامی که او را دید که فقط پسرش را بوسید!
- (۴) رسول خدا (ص) آزرده شد زمانی که دید او فقط پسر خود را می‌بوسد!

۱۱- «يَا إِلَهِي، أَمَلًا الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا كُلِّ الْجِهَاتِ!»:

- (۱) ای خدای من، دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهات پُر کن!
- (۲) ای معبود من، صلح و سلامتی را در همه جهات جهان فراگیر می‌کنی!
- (۳) ای معبود من، صلح را در همه جهات جهان فراگیر کن!
- (۴) ای خدای من، دنیا را در تمام جهات از صلح فراگیر پُر می‌کنی!

۱۲- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ يَسْتُرُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ!: نوعی از ماهی‌ها خود را هنگام خشکی می‌پوشاند!
- (۲) أَشَاهِدُ قَاسِمًا وَهُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ!: قاسم را می‌بینم درحالی که میان دو درخت نشسته است!
- (۳) الْمُغُولُ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَهْجَمُوا عَلَى الصَّيْنِ!: مغول‌ها توانستند به چین حمله ببرند!
- (۴) مِنْ مُهَدِّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ تَلَوُّثُ الْهَوَاءِ الَّذِي يُسَبِّبُ أَمْطَارًا حَمَضِيَّةً!: از تهدیدکننده‌های نظام طبیعت آلودگی هواست که باعث باران‌های اسیدی می‌شود!

۱۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

- (۱) «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»: آفریده است
- (۲) مِنْ فَضْلِكُمْ، لَا تُجَادِلُوا: بحث و ستیز نکنید
- (۳) كَانَ يُرَبِّي الطَّيْرَ: پرورش می‌دهد
- (۴) قَدْ بَنَى الْفَرْدُ مُؤَسَّسَةً: ساخته بود

١٤- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاقَاتِ:

- (١) لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ النَّاسِ! (لَا يَرْحَمُ)
 - (٢) كُلُّ شَيْءٍ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ! (يَرْخُصُوا)
 - (٣) اللَّاعِبُونَ الْإِيرَانِيُونَ مِنَ الْمُسَابَقَةِ مُبْتَسِمِينَ! (رَجَعْتُمْ)
 - (٤) خَصَلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ؛ الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ! (لَا تَجْتَمِعُ)
- ١٥- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَةِ (حَسَبِ مَا جَاءَ بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ):

- (١) أَقْوَى النَّاسِ مِنْ عَقَا عَنْ عَدُوَّهُ! (اسم تفضيل)
 - (٢) يَشْتَغِلُ أَبِي فِي الْمَصْنَعِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى الْمَسَاءِ! (اسم مكان)
 - (٣) كَانَ الْمُتَفَرِّجُونَ يُشَجِّعُونَ فَرِيقَهُمْ فَرَحِينَ! (اسم مبالغة)
 - (٤) يَحْكُمُ نِظَامُ الطَّبِيعَةِ جَمِيعَ الْمَوْجُودَاتِ مِنْ نَبَاتٍ! (اسم مفعول)
- ١٦- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ عَلَى التَّوَالِي:

- (الف) « يَا عِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ » (ب) هَذَا السَّمَكَ يَخْرُجُ مِنَ الْغُلَافِ خُرُوجًا عَجِيبًا.
- (١) الف: مُنَادَى - صفة / ب: مُبْتَدَأ - مفعول مطلق للنوع
 - (٢) الف: مُبْتَدَأ - خبر « إِنَّ » / ب: فاعل - مفعول مطلق للتأكيد
 - (٣) الف: مُبْتَدَأ - صفة / ب: فاعل - مفعول مطلق للتأكيد
 - (٤) الف: مُنَادَى - خبر « إِنَّ » / ب: مُبْتَدَأ - مفعول مطلق للنوع

١٧- «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ الْمُسْتَثْنَى وَالْمُسْتَثْنَى مِنْهُ عَلَى التَّرْتِيبِ:

- (١) آمَنُوا / الْإِنْسَانُ! (٢) الَّذِينَ / الْإِنْسَانُ! (٣) الْإِنْسَانُ / الَّذِينَ! (٤) خُسْرٍ / الَّذِينَ!

١٨- عَيْنِ الْخَطِ فِي الْإِعْرَابِ وَالنَّحْلِ الصَّرْفِيِّ: « يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرَحِينَ »

- (١) يُشَجِّعُ: فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - متعدِّ / فعل و الجملة فعلية
- (٢) الْمُتَفَرِّجُونَ: اسم - جمع - اسم فاعل - معرّف بأل - معرب / فاعل و مرفوع
- (٣) الْفَائِزُ: اسم - مفرد مذكّر - اسم فاعل - معرفة / صفة و موصوفها: « فَرِيق »
- (٤) فَرَحِينَ: اسم - جمع سالم للمذكر (مفرده: فَرَح) - نكرة - معرب / خبر

١٩- عَيْنِ مَا لَيْسَتْ فِيهِ «لَا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ:

- (١) كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكُرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا بَرَكَهَ فِيهِ!
- (٢) لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا!
- (٣) لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ!
- (٤) قَالَ الْمُدِيرُ: لَا طَالِبَ رَاسِبٍ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ!

٢٠- عَيْنِ الْخَطِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاقَاتِ: (حَسَبِ الْمَعْنَى وَالْمَقْهُومِ)

- (١) عِلْمٌ يَبْحَثُ عَنْ خَصَائِصِ الْمَوَادِّ وَظَوَاهِرِ الطَّبِيعَةِ! (الفيزياء)
- (٢) تُرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالْمَاءِ! (الطين)
- (٣) هُوَ الَّذِي يَنْقَبِلُ الدُّعَاءُ وَهُوَ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى! (المُنَادِي)
- (٤) أَرْبَعُونَ تَقْسِيمًا عَلَى خَمْسَةِ يُسَاوِي! (ثمانية)

فلسفه دوازدهم

- ۲۱- آیا حمل جسم بر مداد و خودکار نیازمند دلیل است؟ چرا؟
 (۱) بله - زیرا ذات آنها چیزی جز همان جسم نیست.
 (۲) خیر - زیرا جزو ذات آنها نیست و نیاز به دلیل دارد.
 (۳) بله - زیرا جزو ذات آنها نیست و نیاز به دلیل دارد.
 (۴) خیر - زیرا ذات آنها چیزی جز همان جسم نیست.
- ۲۲- رابطه وجود با «روح» و «شریک خدا» چگونه است؟
 (۱) امتناعی - امکانی (۲) وجوبی - امتناعی (۳) امکانی - امتناعی (۴) امکانی - امکانی
- ۲۳- از نظر دکارت درک رابطه علیت توسط انسان به چه صورتی است؟
 (۱) فطری (۲) حسی (۳) عقلی (۴) شهودی
- ۲۴- چرا از دیدگاه فیلسوفان مسلمان یک پدیده نمی تواند خود به خود و بدون علت به وجود بیاید؟
 (۱) زیرا با دیدگاه فیلسوفان غربی همخوانی ندارد.
 (۲) زیرا منجر به اجتماع نقیضین می شود که محال است.
 (۳) زیرا وجودش امکانی است.
 (۴) زیرا باعث نقض اصل سنخیت می شود.
- ۲۵- قبول غایت مندی در جهان، فقط با قبول علت نخستین و ... امکان پذیر است.
 (۱) علت العلل (۲) ممکن الوجود (۳) واجب الوجود بالغیر (۴) رد سلسله علت ها
- ۲۶- هر یک از اصول «علیت» و «سنخیت» منتج به چه امری خواهند شد؟
 (۱) نظم دقیق جهان - پی بردن به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر
 (۲) حتمی و ضروری بودن روابط - پی بردن به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر
 (۳) پی بردن به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر - نظم دقیق جهان
 (۴) حتمی و ضروری بودن روابط - نظم دقیق جهان
- ۲۷- به هریک از عوامل پدیدآورنده یک معلول ... می گویند که به تنهایی موجب پدید آمدن معلول ...
 (۱) علت ناقصه - نیست (۲) علت ناقصه - است
 (۳) علت تامه - نیست (۴) علت تامه - است
- ۲۸- هر یک از گزاره های زیر، نظر کدام فیلسوف درباره خداوند است؟
 الف) حرکت در این عالم نیازمند یک محرکی است که خودش حرکت ندارد.
 ب) قبول خداوند، زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش می سازد.
 ج) اثبات ضرورت وجود خداوند از طریق وظایف اخلاقی امکان پذیر است.
 (۱) ارسطو - کانت - کاتینگهام (۲) ارسطو - کاتینگهام - دکارت
 (۳) ارسطو - دکارت - کانت (۴) ارسطو - کاتینگهام - کانت
- ۲۹- از نظر کانت، اختیار و اراده ویژگی ... است.
 (۱) موجودات غیرمادی (۲) فراری ناپذیر (۳) نفس (۴) بدن
- ۳۰- فارابی برای ابطال تسلسل علل نامتناهی از کدام مقدمه استفاده کرد؟
 (۱) هر علتی از معلول خاص پدید آمده است.
 (۲) هر معلولی باید علتی داشته باشد
 (۳) هر علتی دارای علتی بالاتر است.
 (۴) هر معلولی یا واجب الوجود است یا ممکن الوجود.
- ۳۱- هر یک از عبارات زیر نظر کدام فیلسوف درباره خدا است؟
 الف) دلیل وجود خداوند، عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.
 ب) تجربه را تنها راه رسیدن انسان به دانش و معرفت دانست و کامل از عقلگرایان جدا شد.
 (۱) دکارت - کانت (۲) جیمز - هیوم (۳) هیوم - جیمز (۴) کانت - کرکگور
- ۳۲- در فلسفه اسلامی وظیفه «عقل فعال» چیست و مقام آن نسبت به انسان مانند چیست؟
 (۱) این عقل عامل فیض رسانی به کل جهان ماوراء است. - نسبت آن مانند آفتاب است به چشم.
 (۲) این عقل عامل فیض رسانی به عقل انسان ها است. - نسبت آن مانند آفتاب است به چشم.
 (۳) این عقل عامل فیض رسانی به عقل انسان ها است. - نسبت آن مانند آفتاب است به زمین.
 (۴) این عقل عامل فیض رسانی به کل جهان ماوراء است. - نسبت آن مانند آفتاب است به زمین.

۳۳- ارسطو بر چه مبنایی، عقل را به «تظری» و «عملی» تقسیم می‌کند؟

- (۱) بر اساس قدرتمندی در تحلیل داده‌ها
- (۲) بر اساس نوع نگرش انسان به آن
- (۳) بر اساس کاری که عقل انجام می‌دهد.
- (۴) بر اساس ماهیت و چیستی آن

۳۴- نظر دکارت در مورد عقل و جایگاه آن چیست؟

- (۱) او به اکثر توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی و ... توجه داشت. - او عقل را صرفاً یک دستگاه تفکر و استدلال به حساب می‌آورد.
- (۲) او به همه توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی و ... توجه داشت. - او عقل را صرفاً یک دستگاه تفکر و استدلال به حساب می‌آورد.
- (۳) او به اکثر توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی و ... توجه داشت. - او عقل را صرفاً دستگاهی برای تفکر و استدلال به حساب نمی‌آورد.
- (۴) او به همه توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی و ... توجه داشت. - او عقل را صرفاً دستگاهی برای تفکر و استدلال به حساب نمی‌آورد.

۳۵- کدام گزینه در مورد «عقل بالملکه» درست است؟

- (۱) در این مرحله، عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می‌کند.
- (۲) در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت می‌رسد.
- (۳) در این مرحله انسان بر دانش‌هایی که کسب کرده مسلط است.
- (۴) در این مرحله انسان هیچ ادراک عقلی ندارد.

۳۶- از نظر فارابی وجه تشابه مدینه فاضله با بدن سالم انسان در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

- (۱) تقدم برخی اعضا بر دیگری اهمیت چندانی ندارد.
- (۲) یک عضو بدن همیشه مهم‌تر است همانند مردم یک جامعه که مهم هستند.
- (۳) هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای برعهده دارد.
- (۴) هر عضو آن با همکاری دیگری و با ویژگی خود کاری را انجام می‌دهد.

۳۷- به نظر ابن‌سینا، چه چیزی باعث ایجاد خشوع و خشیت در نهاد دانشمند در برابر حق می‌شود؟

- (۱) تأمل در رابطه طبیعت با ماوراءطبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده‌ها
- (۲) تأمل در رابطه طبیعت با ماوراءطبیعت و زهد و عبادت بسیار
- (۳) عبور فرد عارف از ظاهر پدیده‌ها به ورای آن
- (۴) تمرین و پایداری بسیار در راه حق و توجه بسیار به پدیده‌های مادی و غیر مادی

۳۸- کدام مورد در رابطه با حکیم متأله و مغرب کامل درست است؟

- (۱) کسانی که در صور برهانی به کمال رسیده و معنای خاص زعیم جامعه‌اند. - عالمی که نورش مغلوب تاریکی است.
- (۲) کسانی که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته‌اند. - جهان تاریکی یا عالم ماده که بهره‌ای از نور ندارد.
- (۳) کسانی که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته‌اند. - عالمی که نورش مغلوب تاریکی است.
- (۴) کسانی که در صور برهانی به کمال رسیده و معنای خاص زعیم جامعه‌اند. - جهان تاریکی یا عالم ماده که بهره‌ای از نور ندارد.

۳۹- «وحدت حقیقت وجود» از نظر ملاصدرا به چه معناست؟

- (۱) وجود خارجی امری واحد و انتزاعی است.
- (۲) این نظر مبتنی بر قبول اصالت ماهیت است.
- (۳) براساس اصالت وجود، وجود خارجی امری واحد است.
- (۴) موجودات مادی در حقیقت هستی با هم وحدت ندارند.

۴۰- در فلسفه ملاصدرا با توجه به این که هستی، یک حقیقت واحد است، تعدد و تکثر در عالم چگونه تبیین می‌شود؟

- (۱) بر اساس اصالت ماهیت، ماهیت که حقیقت واحدی است، در تجلیات و ظهورات خود دارای مراتبی می‌شود.
- (۲) با توجه به این که هستی، یک حقیقت چند تکه است، این حقیقت دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است.
- (۳) تعدد و تکثر واقعی در عالم خارج وجود ندارد و این انتزاع ذهن یک فیلسوف است.
- (۴) هر مرتبه‌ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است.

عربی زبان قرآن (۳)

۱- گزینه «۳»

«ما أسرع» به معنی «چه سریع است، چه شتابان است» می باشد.

(ترجمه)

۲- گزینه «۱»

«أصبح» با «صار» مترادف است. (هر دو به معنی «شد» هستند.) دقت کنید «كان» به معنای «بود» است.

(ترجمه)

۳- گزینه «۲»

«رب»: پروردگارا / «اجعلنی»: مرا قرار بده / «مقیم الصلاة»: برپادارنده نماز / «ذریتی»: فرزندانم / «تقبل»: بپذیر / «دعاء»: دعایم

(ترجمه)

۴- گزینه «۳»

«دواؤک»: دارویت / «فیک»: در خودت هست / «ما تبصر»: نمی بینی / «داؤک»: درد / «منک»: از توست / «لا تشعر»: احساس نمی کنی

(ترجمه)

۵- گزینه «۴»

«شاهد»: دید / «المزارع»: کشاورز / «الخضراوات»: سبزیجات / «تعرض»: در معرض هستند / «الاکل و التلف»: خوردن و تلف شدن / «راقب الأمر مراقبة شديدة»: (عبارت دارای مفعول مطلق نوعی همراه با صفت است) به شدت از موضوع مراقبت کرد

(ترجمه)

۶- گزینه «۴»

«شعر ب...»: احساس ... کرد / «الذنب»: گناه / «خيبة الأمل»: ناامیدی / «من هذا العنوان»: از این عنوان / «بقي»: باقی ماند / «حزیناً»: ناراحت

(ترجمه)

۷- گزینه «۲»

«قد استفاد»: (قد + ماضی: ماضی نقلی) استفاده کرده است / «سهل»: (در اینجا) آسان نموده است / «أعماله الصعبة»: کارهای دشوارش / «حفر الأنفاق»: حفر تونل ها

(ترجمه)

۸- گزینه «۳»

«أمر»: دستور داد، امر کرد / «أن يعطى»: (فعل مضارع مجهول) داده شود / «الفلح»: کشاورز / «ألف دينار»: هزار دینار

(ترجمه)

۹- گزینه «۳»

«البومات»: جغدها / «كانت تتغذى»: (كانَ + فعل مضارع: ماضی استمراری) تغذیه می کردند / «فئران الحقل»: موش های کشتزار / «إضافة إلى»: علاوه بر / «الأفراخ»: جوجه ها

(ترجمه)

۱۰- گزینه «۳»

«انزعج»: آزرده شد / «رسول الله»: پیامبر خدا / «حين»: هنگامی که / «آه»: او را دید / «لم يقبل إلّا إنه»: فقط پسرش را بوسید (وقتی در جمله قبل از «إلّا»، فعل منفی آمده و مستثنی منه هم حذف شده است، می توان فعل جمله را مثبت و همراه با لفظ «فقط، تنها» ترجمه کرد.)

(ترجمه)

۱۱- گزینه «۱»

«يا إلهي»: ای خدای من / «ملأ»: (فعل امر) پر کن / «سلاماً شاملاً»: صلحی فراگیر / «كل الجهات»: همه جهات

(ترجمه)

۱۲- گزینه «۱»

در گزینه «۱»، «یوجد» ترجمه نشده است. ترجمه صحیح عبارت: «نوعی از ماهی ها یافت می شود (وجود دارد) که خود را هنگام خشکی می پوشاند!»

(ترجمه)

۱۳- گزینه «۲»

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «خَلَقَ»: (فعل ماضی مجهول) آفریده شده است
گزینه «۲»: «لَا تُجَادِلُوا»: (فعل نهی مخاطب) بحث و ستیز نکنید
گزینه «۳»: «كَانَ يَرَبِّي»: (فعل ماضی استمراری) پرورش می‌داد
گزینه «۴»: «قَدْ بَنَى»: (فعل ماضی نقلی) ساخته است
(قواعد فعل)

۱۴- گزینه «۴»

در گزینه «۴»، فعل «لَا تَجْتَمِعُ» با توجه به اینکه در ابتدای جمله و قبل از فاعل خود آمده، به‌صورت مفرد مؤنث صحیح است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: با توجه به مفهوم جمله، فعل نباید به‌صورت نهی و با علامت ساکن پایانی بیاید. («لَا يَرْحَمُ» صحیح است.)
گزینه «۲»: با توجه به «كُلَّ شَيْءٍ»، فعل باید به‌صورت مفرد بیاید، نه جمع. («يَرْحَمُ» صحیح است.)
گزینه «۳»: با توجه به «اللَّاعِبُونَ» در ابتدای جمله، فعل باید به صیغه غایب (سوم شخص) بیاید. («رَجَعُوا» صحیح است.)
(قواعد فعل)

۱۵- گزینه «۳»

در گزینه «۳»، «الْمُتَفَرِّجُونَ» اسم فاعل است و در این عبارت، اسم مبالغه نداریم.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «أَقْوَى» اسم تفضیل است.
گزینه «۲»: «الْمَصْنَعُ» اسم مکان است.
گزینه «۴»: «الْمَوْجُودَاتُ» اسم مفعول است.
(قواعد اسم)

۱۶- گزینه «۴»

«عباد» بعد از حرف ندا (یا) آمده است: منادی
«وَأَسْأَعُ» بعد از حرف مشبّه (إنّ) آمده و درباره کلمه «أَرْضُ» خبر می‌دهد:
خبر «إِنَّ»
«هَذَا» اسمی است که در ابتدای جمله آمده است: مبتدا
«خَرُوجاً» بعد از فعل هم‌ریشه خود، یعنی «يَخْرُجُ»، آمده است و دارای صفت نیز هست: مفعول مطلق للتّوع
(انواع جملات)

۱۷- گزینه «۲»

«الَّذِينَ» اسمی است که بعد از حرف «إِلَّا» آمده است، بنابراین مستثنی است. گروهی که قبل از «إِلَّا» آمده و استثنا از آن انجام شده، «الإنسان» است، پس «الإنسان» مستثنی منه محسوب می‌شود.
(اسلوب استثناء)

۱۸- گزینه «۴»

در گزینه «۴»، «خَيْرٌ» نادرست است. «فَرَحِينٌ» نقش حال را دارد. ترجمه عبارت: «تماشاچیان تیم برنده خود را با خوشحالی تشویق می‌کنند!»
(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۹- گزینه «۳»

در گزینه «۳»، «لَا» در «لَا تُطْعَمُوا» بر سر فعل مضارع آمده و از نوع نهی است، حرف «لَا» در «تَأْكُلُونَ» نیز بر سر فعل مضارع آمده و از نوع نفی است.

در سایر گزینه‌ها، «لَا» در «لَا بَرَكَةَ»، «لَا عِلْمَ» و «لَا طَالِبَ»، چون بر سر یک اسم نکره آمده است، از نوع نفی جنس است.

(انواع جملات)

۲۰- گزینه «۳»

در گزینه «۳» داریم: همان کسی است که دعا را می‌پذیرد و آن از نام‌های نیکوی خداوند است! با توجه به معنا و مفهوم، «الْمُجِيبُ» به معنی «پاسخ‌دهنده» برای جای خالی مناسب است.

ترجمه گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: علمی است که در مورد ویژگی‌های مواد و پدیده‌های طبیعت بحث می‌کند! (فیزیک)
گزینه «۲»: خاک مخلوط شده با آب است! (گل)
گزینه «۴»: چهل تقسیم بر پنج برابر است با! (هشت)

(مفهوم)

فلسفه دوازدهم

۲۱- گزینه «۴»

(امیر منصوری)

در عبارت «خودکار و مداد جسم است»، جسم از اجزای تعریفی مداد و خودکار است و چستی او را تشکیل می‌دهد و بیان‌کننده ذات و حقیقت آنها می‌باشد؛ یعنی ذات آنها چیزی جز همان جسم نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند.

۲۲- گزینه «۳»

(امیر منصوری)

روح: امکانی

شریک خدا: امتناعی

۲۳- گزینه «۱»

(امیر منصوری)

دکارت معتقد بود که درک رابطه علیت فطری است.

۲۴- گزینه «۲»

(امیر منصوری)

زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد. و این همان اجتماع نقیضین است که محال است.

۲۵- گزینه «۱»

(امیر منصوری)

قبول غایت‌مندی در جهان، فقط با قبول علت نخستین و علت العلل امکان‌پذیر است.

۲۶- گزینه «۳»

(امیر منصوری)

۱- پذیرش اصل علیت، زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیای پیرامونی است. با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی‌شان پی می‌بریم و با مواجهه با هر پدیده‌ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی‌آییم.

۲- اصل وجوب بخشی علت به معلول، جهان را تابع رابطه‌ای ضروری و حتمی نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می‌کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می‌شود و وجود آن، وجوب پیدا می‌کند. باغبان بر همین اساس بذر می‌کارد و آن را آبیاری می‌کند و راننده با همین مبنا خودرویش را روشن و به جلو هدایت می‌کند.

۲۷- گزینه «۱»

(امیر منصوری)

به هریک از عوامل پدید آورنده یک معلول علت ناقصه می‌گویند که به تنهایی موجب پدید آمدن معلول نیست.

۲۸- گزینه «۴»

(امیر منصوری)

الف) حرکت در این عالم نیازمند یک محرکی است که خودش حرکت ندارد:: ارسطو

ب) قبول خداوند، زندگی ما را در بستری قرار می‌دهد که آن را با ارزش می‌سازد:: کاتینگهام

ج) اثبات ضرورت وجود خداوند از طریق وظایف اخلاقی امکان‌پذیر است:: کانت

۲۹- گزینه «۳»

(امیر منصوری)

از نظر کانت، اختیار و اراده ویژگی نفس است.

۳۰- گزینه «۲»

(امیر منصوری)

فارابی برای ابطال تسلسل علل نامتناهی از این مقدمه استفاده کرد که «هر معلولی باید علتی داشته باشد».

۳۱- گزینه «۲»

(امیر منصوری)

الف) دلیل وجود خداوند، عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است:: جیمز

ب) تجربه را تنها راه رسیدن انسان به دانش و معرفت دانست و کامل از عقلگرایان جدا شد:: هیوم

۳۲- گزینه «۲»

(اگر منصفی)

عقل فعال عامل فیض رسانی به عقل انسان‌ها است. - نسبت آن مانند آفتاب است به چشم.

۳۳- گزینه «۳»

(اگر منصفی)

ارسطو بر اساس کاری که عقل انجام می‌دهد عقل را به «تظری» و «عملی» تقسیم می‌کند.

۳۴- گزینه «۲»

(اگر منصفی)

دکارت به همه توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را اثبات کند. او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت (عالم) برتر و متعالی در جهان (و انسان) قائل نبود. او عقل را صرفاً یک دستگاه تفکر و استدلال به حساب می‌آورد.

۳۵- گزینه «۱»

(اگر منصفی)

دومین مرحله را عقل بالملکه می‌گویند. در این مرحله، عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می‌کند، مثلاً میداند که یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله است که انسان آمادگی دریافت علم را پیدا می‌کند و می‌تواند دانش‌ها را کسب نماید.

۳۶- گزینه «۳»

(اگر منصفی)

فارابی مدینه فاضله را به بدنی سالم تشبیه می‌کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه‌ای برعهده دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می‌دهد. همان گونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم‌اند؛ مثلاً همانطور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم باید کسی که ویژگی‌های ممتازی دارد، بر مردم ریاست کند.

۳۷- گزینه «۱»

(اگر منصفی)

از نظر ابن‌سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراءطبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده‌ها، دانشمند را از ظاهر پدیده‌ها عبور می‌دهد و به باطن آنها می‌رساند و آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وامی‌دارد.

۳۸- گزینه «۲»

(اگر منصفی)

مغرب کامل: کسانی که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته‌اند.
حکیم متأله: جهان تاریکی یا عالم ماده که بهره‌ای از نور ندارد.

۳۹- گزینه «۳»

(اگر منصفی)

براساس اصالت وجود، و واحد بودن وجود، وجود خارجی امری واحد است. و موجودات در حقیقت هستی با هم وحدت دارند.

۴۰- گزینه «۴»

(اگر منصفی)

از نظر ملاصدرا با توجه به این که هستی، یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. وجود که حقیقت واحدی است، در تجلیات و ظهورات خود دارای مراتبی می‌شود. و هر مرتبه‌ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است.



آدرس وب سایت ما

novinkonkor.com

نوین کنکور

در شبکه های اجتماعی



novinkonkor



@novinkonkor



۰۹۳۸۲۵۱۶۷۴۷

نوین کنکور مرجع کنکور و امتحان نهایی